

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

تجربه دوگانه زنان از جنگ* (علمی- پژوهشی)

(براساس کتاب‌های خاطرات دفاع مقدس دا، پوتین‌های مریم، خانه‌ام همین جاست، پاییز ۵۹ و در
کوچه‌های خرمشهر)

دکتر نسرین فلاح

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه شهید باهنر کرمان و عضو

پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران

چکیده

تهاجم گسترده و ویرانگر عراق به مرزهای ایران با پایداری ملت ایران در برابر دشمن متجاوز همراه شد و حماسه‌های بزرگی همچون خرمشهر را جاودانه ساخت. این بحران گسترده و مداوم، زندگی زنان را همچون دیگر افراد جامعه دستخوش تغییری گسترده و عمیق گردانید و تجربه‌ی جدیدی را برای آنان رقم زد. نقد و بررسی تجربه‌ی زنانه در خاطرات دفاع مقدس، افزون بر حفظ و نشر گنجینه‌ی ارزشمند پایداری ملت ایران در برابر متجاوزان، اهمیت نقش زنان را در دوران دفاع مقدس نشان خواهد داد.

این مقاله از نوع کیفی و به شیوه‌ی تحلیلی بر اساس یافته‌های مندرج در پنج کتاب خاطرات دفاع مقدس شامل دا، پوتین‌های مریم، خانه‌ام همین جاست، پاییز ۵۹ و در کوچه‌های خرمشهر نوشته شده است. بدین ترتیب که با دیدگاهی زن محور و رویکردی ساختارگرا، تجربه‌ی زنان از جنگ با تأکید بر حماسه‌ی خرمشهر ارائه شده است. بدین منظور تجربه‌ی زنانه و عناصر آن در کاربردی اصطلاحی تعریف شده است و بر همین اساس دو تجربه‌ی زنانه سکون و سازگاری و تحرک و تحریک ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: تجربه‌ی زنانه، جنگ، خاطرات دفاع مقدس.

۱- مقدمه

این پژوهش پنج اثر را به دلایل مختلف مبنای تحلیل خود قرار می دهد. این خاطرات، پایداری زنان را در جنگ تحمیلی با تأکید بر محاصره خرمشهر، سقوط و آزادی مجدد آن ارائه می دهند و به استثنای کتاب دا بعد از فتح خرمشهر پایان می یابند. به همین دلیل حادثه‌ای مشترک با موقعیتی یکسان را روایت می کنند و فقط فرد انسانی آنها متفاوت است. از طرف دیگر این کتاب‌ها به همت زنان تدوین و نگارش یافته اند و تشابه جنسیت، دیدگاهی یکسان برای کندوکاو و ارائه نهایی خاطره فراهم می سازد. نخست به اختصار به معرفی این کتاب‌ها می پردازیم:

کتاب *د/، پانصد و شصت و سومین کتاب از مجموعه محصولات دفتر ادبیات و هنر مقاومت است که در حوزه هنری منتشر می شود و در بخش خاطرات جنگ ایران و عراق، یکصد و هشتادمین کتاب محسوب می شود. کتاب مذکور حدود ۸۱۲ صفحه است که در پنج فصل و چهل بخش تدوین شده است. در بخش ضمایم چهار گفتگو و چهار نقل قول ذکر شده است. این کتاب مجموعه خاطرات سیده زهرا حسینی است که خانم اعظم حسینی آن را به نگارش در آورده است. «مجموعه حوادث این کتاب بیش از هر چیز بیانگر رنج و اندوه دختر هفده ساله ای است که شنیدن و باور آن دشوار است. جزئی نگری و دقت راوی نویسنده بر جذابیت کتاب افزوده است و بیش از هر چیز آن را عینی جلوه داده است. این کتاب اثری کاملاً زنانه است. خاطرات زنان به قلم آنها نوشته شده است. نثر عاطفی و معناگرا، توجه به پیشینه خانوادگی از دیگر ویژگی‌های برجسته این کتاب است که آن را از روایت مردان متمایز می سازد» (رامهرمزی، ۱۳۸۷: ۳۳-۴۳).*

کتاب *پوتین های مریم، خاطرات مریم امجدی از جنگ تحمیلی است که به همت فریبا طالش پور به چاپ رسیده است. این کتاب چهارصد و پنجاه و هشتمین کتاب از مجموعه کتاب‌های دفتر ادبیات و هنر مقاومت است و در صد و چهل و شش صفحه با ضمیمه اسناد منتشر شده است. وقایع این کتاب به دوران کودکی شخصیت اصلی، مهاجم عراق به شهرهای مرزی ایران، محاصره خرمشهر و ادامه جنگ می پردازد و با آزادی خرمشهر خاتمه می یابد.*

کتاب *خانه ام همین جاست*، خاطرات افسانه قاضی زاده از جنگ است که به کوشش گلستان جعفریان به چاپ رسیده است. این کتاب در صد و سه صفحه و هفت فصل با ضمیمه اسناد منتشر شده است و بدون مقدمه به آغاز تهاجم عراق به خرمشهر و غافلگیری مردم شهر می پردازد و با مرور روزهای جانفشانی و ایثار، نقش راوی را در آن روزهای سخت نشان می دهد.

کتاب *پاییز ۵۹* به شرح خاطرات زهره ستوده از جنگ می پردازد. این کتاب بعد از کتاب *خانه ام همین جاست*، پانصد و چهل و ششمین کتاب دفتر ادبیات و هنر مقاومت است و با همت سیده اعظم حسینی و سیده رقیه میر ابوالقاسمی در یکصد و چهارده صفحه و دوازده فصل با چند ضمیمه تدوین یافته است. *پاییز ۵۹*، زندگی راوی قبل از شروع جنگ، خاطرات او از کودکی تا پایان دوره تحصیل را در بر می گیرد و ضمن شرح فراز و نشیب های زندگی راوی از او شخصیتی پخته و آگاه در آستانه جنگ می سازد.

کتاب در کوچه های خرمشهر، مجموعه ده خاطره از نبرد در خرمشهر است که به اهتمام خانم مریم شانکی در دویست و چهار صفحه به انضمام چند عکس به چاپ رسیده است. شش خاطره این کتاب متعلق به زنان خرمشهری است که به طور مستقیم درگیر نبرد در این شهر بوده اند. این خاطرات به شرح سختی های روزهای دشوار جنگ در کوچه های خرمشهر و دلآوری های زنان و مردان این شهر در برابر دشمن متجاوز می پردازد.

۱-۱- پیشینه پژوهش

هرچند نقش زنان در دفاع مقدس در بخش های مختلف فیلم (ر. ک. . حامد سقاییان، ۱۳۹۰: ۷۷-۹۶)، شعر (ر. ک. . پناه، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۲۱۷)، داستان (ر. ک. . شریف پور و لشکری، ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۸۸) و واقعیت های اجتماعی (ر. ک. . جمشیدی ها، حمیدی ۱۳۸۶: ۸۱-۱۰۸) و تاریخی (ر. ک. . حبیبی، ۱۳۹۲: ۱) بررسی شده است؛ اما بررسی جامع آن که با رویکردی مشخص و طبقه بندی اساسی صورت بگیرد، تاکنون انجام نشده است. این پژوهش با تعریف علمی و اساسی واژگان کلیدی خود می کوشد تا چهارچوبی مشخص، جامع و مانع برای بررسی ارائه دهد تا همه ابعاد مسئله مشخص شود؛ لذا با دیدگاهی زن محور بر

اساس جلوه‌های حضور زنان در این خاطرات و با رویکردی ساختارگرا به بررسی این مسئله می‌پردازد که تجربه زنان از دوران دفاع مقدس با تأکید بر حماسه خرمشهر در خاطرات زنان چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش اساسی نخست به این پرسش فرعی پاسخ داده می‌شود که تجربه زنانه چیست و چهارچوب مشخص آن کدام است؟

نخست به تعریف اصطلاحات و شرح مبانی پژوهش می‌پردازیم.

۲- بحث

۲-۱- خاطره

خاطره، واژه‌ای عربی است و به محفوظات ذهنی اطلاق می‌شود که شایستگی ضبط و ماندگاری را یافته‌اند. در واقع خاطره، انفعال و بازتاب ذهن در برابر رویدادهایی است که در حافظه جای گرفته‌اند (کمری، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۹). از نظر ادبی خاطره‌نویسی گونه‌ای زندگی‌نامه‌نویسی محسوب می‌شود (شمیسا ۱۳۷۳: ۲۵۹).

خاطرات بر حسب نوع ثبت و انتقالش به دو دسته خاطرات شفاهی و کتبی تقسیم می‌شود... (دهقان، ۱۳۸۶: ۲۶۳). خاطره مکتوب خاطره‌ای است که صاحب آن یا دیگری به نوشتن آن اقدام کند؛ یعنی به صورت خودنوشت یا دیگرنوشت باشد (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۷۸). از طرفی با توجه به موقعیت راوی، خاطره مکتوب به اتوبیوگرافی یا زندگی‌نامه خودنوشت و مشاهده نویسی یا واقعه نگاری تقسیم می‌شود. ممکن است تلفیقی از هر دو شیوه باشد (کمری، ۱۳۸۱: ۱۶). خاطرات پیش‌گفته مکتوب، دیگرنوشت با تکیه بر یادآوری صاحب خاطره و تأیید او هستند و نوع عام خاطره نگاری را دربرمی‌گیرند؛ یعنی هم زندگی راوی از خلال آن بازگو می‌شود و هم وقایع و حوادث تلخ جنگ با تأکید بر محاصره، سقوط و آزادسازی خرمشهر.

خاطره نویسی زنان از آغاز چندان مورد توجه نبوده است و از آنجا که خاطره نگاری یکی از منابع تاریخ است، باید فراموشی تاریخ زنان را طبیعی تلقی کرد. پدیده‌ای که همواره مورد انتقاد تاریخ نگاران زن بوده است. از دیدگاه

آنان «زنان در تاریخ به فراموشی جمعی سپرده شده اند و به عنوان یک بخش اصلی در گزارش های تاریخی در نظر گرفته نشده اند و تاریخ آنها ذیل شرح کلی زندگی مردان گنجانده شده است (فصیحی، ۱۳۸۸: ۶۰).

واضح است که ثبت و انتشار خاطرات زنان، بخشی از این نقیضه بزرگ تاریخ را از بین خواهد برد. محتویات این کتاب ها یک گونه تاریخی- ادبی را نشان می دهد و به دلیل ثبت مستند واقعیت جنگ هشت ساله، بخشی از پایداری ملت ما را ترسیم می کند. از سویی دیگر اهمیت این آثار به دلیل ارائه و برجستگی نقش زنان در جنگ است. «زنان به عنوان گروهی که حافظ میراث فرهنگی و ناقل هنجارها و ارزش های انسانی به شمار می آیند و تعادل و ثبات جامعه و نظام فرهنگ پذیری و آموزشی آن با نام آنان رقم می خورد، بیشترین آسیب را از وقوع بحران های اجتماعی چون جنگ می بینند» (جولی، ۱۳۸۳: ۸). مطالعه و بررسی نقش زنان در جنگ و انعکاس تجربه آنان بر اساس منابع موجود، افزون بر حفظ و نشر گنجینه ارزشمند پایداری ملت ایران در برابر متجاوزان، چهره واقعی زن ایرانی را در پرتو فرهنگ و معارف ارزشمند دفاع مقدس آشکار می سازد.

۲-۲- جنگ

یکی از مفاهیم کلیدی این پژوهش جنگ است که تعریف آن از دیدگاه علمی ضروری به نظر می رسد. از دید سیاسی «جنگ یکی از خشونت های سازمان یافته است که به وسیله واحدهای سیاسی علیه یکدیگر انجام می گیرد» (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۳۶). از دیدگاه بوتول- نظریه پرداز جامعه شناسی- به مبارزه مسلحانه و خونین که طرفین درگیر در آن از سازماندهی برخوردارند، جنگ می گویند (بوتول، ۱۳۶۸: ۳۲). در این پژوهش جنگ با تأکید بر حماسه خرمشهر از سقوط تا آزادی یک بحران تعریف می شود؛ چرا که «جنگ یک بحران بین المللی است» (کاظمی، ۱۳۶۶: ۱۳). پارسونز، بحران ها را از لحاظ نحوه پیدایش به سه گروه ناگهانی، تدریجی و ادامه دار تقسیم می کند (تابلی، ۱۳۹۰: ۸۱). بحران از نظر موضوعی به چهار دسته سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تقسیم می شود. (زینالی: ۲۱۷ به نقل از تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۸).

جنگ هشت ساله عراق علیه مردم ایران، بحرانی ناگهانی، گسترده و مداوم ایجاد کرد که زندگی مردم ایران به خصوص ساکنان نواحی مرزی را مختل کرد. در این میان زندگی زنان نیز دستخوش تغییری فاجعه بار و مصیبت برانگیز شد. حمله گسترده دشمن متجاوز به مرزهای جنوب و غرب کشورمان، تبعات گسترده و ویرانگری، به خصوص در زندگی زنان به دنبال داشت. در این زمان محاصره خرمشهر و جنایات گسترده دشمن با پایداری جانانه مردم دلاور ایران در کنار مدافعان شهر همراه بود. حضور بارز زنان در عرصه های مختلف مقاومت و پایداری در این شهرستودنی بود.

۲-۳- تجربه

محور اصلی این پژوهش، بررسی تجربه زنان در جنگ هشت ساله با تأکید بر حماسه خرمشهر است. از آنجا که هیچ تعریف علمی دقیقی از تجربه زنانه تاکنون مشاهده نشده است، نخست به بررسی این بخش و یافتن چهارچوبی دقیق برای پژوهش در این زمینه می پردازیم.

تجربه نقطه مقابل عمل است. تجارب، اموری است که ما آنها را آن گونه که برایمان روی می دهد، ثبت و ضبط می کنیم. معادل واژه Experience انگلیسی است که ریشه آن واژه یونانی Pericuium به معنی آزمایش است (تقوی، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

تجربه، واژه ای عربی است که به دو صورت مصدری به معنای آزمودن و اسم مصدری به معنای آموزش به کار می رود. تجربه در فرهنگ های عربی به فارسی به معانی مختلفی به کار می رود. آزمون، تجربه، کوشش و مشکل (قیم، ۱۳۸۶: ۲۵۰). همچنین شغل و حرفه (اتابکی، ۱۳۸۰: ۷۱۲) از معانی آن است؛ اما تعریف دقیق تجربه و ماهیت آن در فرهنگ آکسفورد مشخص می شود: برخورد عملی توأم با مشاهده واقیعت یا حادثه، دانش یا مهارتی که در گذر زمان به دست می آید و تأثیر رخداد بر فرد از معانی کاربرد اسمی این واژه است؛ نیز، تجربه اندوختن به معنای پیشامد رخداد یا موقعیت و تأثیر آن است (soanes, 2002: 287). اصطلاح تجربه در شاخه های مختلف علمی به معانی گوناگون به کار می رود و تجربه

دینی و عرفانی از این گونه است (نوربخش، ۱۳۷۹: ۱۵۲)؛ اما تجربه زنانه مد نظر ما به گونه ای دقیق تعریف نشده است. آنچه که واضح است تجربه زنانه با تأکید بر جنسیت خاص زنان صورت می گیرد؛ بنابراین نخست به تحلیل تجربه می پردازیم تا چارچوب پژوهش مشخص گردد.

بر اساس تعاریف پیش گفته، عوامل متعددی در شکل گیری تجربه مؤثرند. این عوامل عبارتند از: فرد، حادثه یا واقعه، موقعیت یا زمان و مکان.

منظور از فرد، شخصیت انسانی است که در تعامل و رویارویی با یک حادثه یا رخداد یا تأثر از آن تجربه می آموزد و دانش و مهارتی را به دست می آورد. ابعاد ارتباط فرد با حادثه چند مرحله ای است که شامل مشاهده، تأثیرپذیری و کنش یا همان عملکرد فرد است؛ بدین ترتیب، منظور از تجربه زنانه، رویارویی زنان با حوادث و موقعیت های متفاوت و تأثیرپذیری از آن است که کنش خاص آنان را به دنبال دارد و در گذر زمان دانش و مهارت جدیدی را برای آنان کسب می کند. عناصر تجربه که در ارتباط فرد با حادثه به وقوع می پیوندد و متضمن تعاریف پیش گفته نیز هست، عبارت است از:

رویارویی و مشاهده ← تأثیرپذیری ← کنش ← کسب مهارت و دانش

خاطرات مکتوب پیش گفته با محور قرار دادن زندگی چند شخصیت اصلی زن و اطرافیان آنها، زندگی زنان و واکنش آنان را در برهه ای خاص از زمان و در برابر بحران بزرگ جنگ به تصویر می کشاند. بررسی سیر تجربه زنانه در این آثار، روند تغییر و تحول شخصیت زنان و فعالیت آنان را نشان می دهد.

پس از تعریف اصطلاحات ضروری به مطالعه و تحلیل سیر حوادث خاطرات مورد بحث با دیدگاهی ساختاری می پردازیم تا بر اساس مبادی پیش گفته، تجربه زنانه آنان را مشخص کنیم. ساختار در مفهوم مورد نظر ما بر کلیت اثر و ارتباط عناصر تشکیل دهنده آن (پیاژه، ۱۳۸۴: ۱۷ نیز علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۸۶) دلالت می کند تا بتوان نقاط مشترک آثار مورد بحث را در ارتباط با مسئله تحقیق تشریح کرد.

۲-۴- ساختار حوادث خاطرات

یکی از مسائل مطرح در خاطرات مورد بحث، تعدد حوادث است که به ضرورت به طرح همه آنها می پردازیم. نخست به بررسی سیر حوادث کتاب د/ می پردازیم:

۱- آسودگی و رفاه نسبی در بصره

۲- دستگیری پدر و اخراج از عراق (زندانی، خشونت، تهدید و ارباب، اخراج)

۳- سکونت در خرمشهر

خانه به دوشی و مستأجری

خانه دار شدن و رفاه نسبی

۴- آغاز جنگ (تهاجم دشمن=آوارگی، شهادت، ترس از اسارت، تجاوز و مرگ)

پذیرش نقش‌ها و فعالیت‌های جدید: غسل و تدفین شهدا، آشپزی، امدادگری، نظامی، توزیع غذا در خطوط دفاعی شهر، تقویت روحیه مدافعان شهر و تهییج آنان، همدردی با مردم.

شهادت پدر و برادر، خروج خانواده، آوارگی و سکونت نهایی در تهران

جراحی و مصدوم شدن

تلاش ناموفق برای بازگشت به منطقه جنگی

آوارگی و سکونت در تهران

ازدواج

تنهایی و خانه به دوشی در آبادان

سکونت در تهران و مسؤولیت اداره زندگی

آزادی خرمشهر

۵- پایان جنگ

بازگشت همسر و آغاز زندگی جدید

اهمیت سیر حوادث این کتاب در تقابل عمده حوادث و در نتیجه آن، تجربه‌ای متفاوت از زندگی است. پس از هر آرامش، حادثه‌ای بزرگ اتفاق می افتد تا

حدی که به بحرانی گسترده تبدیل می شود و پس از هر سختی، آسودگی حاصل می شود و تغییری گسترده در زندگی افراد ایجاد می کند و اهمیت آن در تحول نقش های زنان و تجربه آنان است.

در کتاب پوتین های مریم، سیر حوادث بعد از جنگ، متفاوت با کتاب د/ است و نقش قبل و بعد از جنگ راوی به صورت اشتغال رسمی در نهادهای مردمی- نظامی پررنگ تر است. حضور فعال راوی در نهادهای بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تلاش های او برای ایجاد وضعیت مطلوب و مثمر واقع شدن با انجام فعالیت های مشقت بار درخور توجه است. ساختار سیر حوادث در این کتاب به شرح زیر است:

۱- زندگی عادی

حضور فعال در بسیج مستضعفان: آموزش نظامی و امدادگری

۲- آغاز جنگ

پذیرش نقش ها و فعالیت های جدید: نقش امدادگری، فعالیت شبه نظامی (نگهبانی و حضور مستقیم در خطوط نبرد)

خروج از خرمشهر و سکونت خانواده در گچساران

بازگشت ناموفق به منطقه جنگی

بازگشت موقت به گچساران

استخدام در بیمارستان آبادان به عنوان نیروی رسمی سپاه

ازدواج و ادامه فعالیت در بیمارستان آبادان

انتقال از بیمارستان به بخش تعاون سپاه به تبعیت از همسر و فعالیت اداری

بارداری و استعفای دائم از شغل: پایان حضور مستقیم در جنگ

آزادی خرمشهر

همان گونه که ملاحظه شد، استعفای شخصیت اصلی از اشتغال دائم به منزله دوری او از جنگ است؛ به گونه ای که بعد از آزادسازی خرمشهر، جنگ در این کتاب نیز به پایان می رسد.

در کتاب خانه / ام همین جاست، سیر حوادث و نقش شخصیت اصلی و راوی خاطرات، افسانه قاضی زاده، مشابه کتاب پیش گفته است. عضویت در انجمن

۲۴۸ / تجربه دو گانه زنان از جنگ...

اسلامی و انجام فعالیت‌های مختلف قبل از جنگ، همچنین اشتغال رسمی در زمان پس از جنگ از نقش مؤثر راوی حکایت می‌کند:

۱- زندگی عادی

عضویت در انجمن اسلامی دانش آموزان و فعالیتهای فرهنگی، سیاسی و آموزشی

۲- آغاز جنگ

حضور موقت در بیمارستان مصدق

حضور موقت در جنت آباد

حضور در مسجد جامع و فعالیت‌های مختلف امدادگری، آشپزی، شست و شو و تدارکات محدود نظامی

فعالیت موقت در غسالخانه جنت آباد

خروج خانواده از شهر و سکونت در ماهشهر، بوشهر و کرج

استخدام در بیمارستان طالقانی آبادان به عنوان نیروی رسمی سپاه و انجام فعالیت‌های مختلف

ازدواج و ادامه فعالیت

انتقال به بنیاد شهید شادگان به تبعیت از همسر

بارداری و مرخصی از کار

انتقال به تهران و استعفا از کار

آزادی خرمشهر

اشتغال در بیمارستان نجمیه

استعفا با تولد فرزند دوم

ادامه تحصیل و ادامه زندگی

در این کتاب نیز راوی در چالشی بین سرپرستی فرزندان و حضور مستقیم در جنگ در نهایت گزینه اول را برمی‌گزیند تا بتواند سلامت خانواده خود را تضمین کند. پس از استعفا دوم راوی، حوادث جنگ نیز پایان می‌یابد.

خاطرات زهره ستوده در کتاب پاییز ۵۹ از نقش فعال راوی در زمان پیش از جنگ و پس از آن و تغییر و تحول روحی او، همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی حکایت می‌کند. سیر حوادث این کتاب و نقش راوی به شرح زیر است:

۱- زندگی عادی

شخصیت سیاسی - مذهبی پدر و تبعید او از شرکت نفت به شرکت مخابرات

فوت پدر

سرپرستی مادر و دغدغه مراقبت از فرزندان

۱-۱ نقش شخصیت قبل از جنگ

حضور شخصیت در اردوهای پیشاهنگی و افزایش اعتماد به نفس و تجربه

زندگی

بلوغ فکری شخصیت در دوره دبیرستان و تحول روحی او: آشنایی عمیق با

اسلام و محجبه شدن

شرکت در راهپیمایی و پیوستن به انقلاب

فعالیت سیاسی - اجتماعی در مسجد جامع

فعالیت اجتماعی و اشتغال موقت متعدد

امدادگری و فعالیت نظامی در هنگام بروز فتنه خلق عرب در خرمشهر

۲- آغاز جنگ و آمادگی پذیرش آن

نقش امدادگری، تدفین اجساد، کمک‌های اولیه به جنگ‌زدگان و تهیه مواد

غذایی و دارویی

خروج خانواده از شهر و آوارگی در شادگان، تهران و اهواز

اقامت موقت در تهران به دلیل جراحت برادر

اشتغال در بیمارستان شرکت نفت آبادان و فعالیت‌های مختلف

خروج از آبادان به دنبال دستور امام مبنی بر شکست حصر آبادان

اشتغال در مرکز گسترش و خدمات اهواز به عنوان کارمند استانداری

خوزستان

ازدواج

انحلال مرکز گسترش و اشتغال در بنیاد مهاجرین

استعفا و ادامه زندگی در کنار همسر در بوشهر
اشتغال پاره وقت در آموزش و پرورش
سکونت در تهران و اشتغال موقت در بنیاد مهاجرین
استعفا و خانه داری

۳- پایان جنگ

ادامه زندگی

نقش زنانه راوی پاییز ۵۹ در مقایسه با شخصیت‌های زن اصلی در کتاب‌های مورد بررسی تفاوتی عمده دارد. حضور برجسته و فعال راوی در عرصه اجتماع و پذیرش مشاغل مختلف، همچنین تعارض او پس از استعفای نخست از بنیاد مهاجرین و اشتغال متعدد و موقت او این برجستگی را متمایز می‌سازد. هرچند این شخصیت نیز پس از فراز و نشیب بسیار و تحمل سختی‌های گوناگون، خانه را عرصه اشتغال دائم خود می‌سازد؛ اما تجربه ای متفاوت و خاص کسب کرده است. در این کتاب نیز استعفا و دوری از صحنه نبرد به منزله پایان جنگ تلقی می‌شود؛ به گونه ای که حوادث کتاب نیز با اشاره مختصر به زندگی راوی پایان می‌یابد.

مقایسه خاطرات پیش گفته نشان می‌دهد که پایان اشتغال شخصیت‌های اصلی زن، پایان حضور آنان در جنگ است تا آنجا که گویی جنگ نیز تمام می‌شود و پایان خاطرات با پایان دنیای پرحادثه آنان همراه است. در این میان تنها راوی دا به خاطرات خود هرچند به صورت مختصر ادامه می‌دهد و پایان خاطرات خود را با پایان جنگ پیوند می‌دهد؛ اما تفاوت شخصیت این کتاب به این مورد محدود نمی‌شود، نقش محدود اجتماعی شخصیت اصلی قبل از جنگ و تحول روحی بارز او با شروع جنگ و انجام کارهای دشوار از دیگر مشخصه‌های این کتاب است؛ اما حضور مستقیم راوی این کتاب نیز در جنگ پس از ازدواج خاتمه می‌یابد.

در کوچه‌های خرمشهر

از دیدگاه ساختاری حوادث این کتاب، برشی کوتاه از وقایع پایداری خرمشهر در برابر دشمن است. آنچه در این کتاب مدنظر ما قرار می‌گیرد، شش

خاطره زنان است که اغلب با یادآوری شروع جنگ آغاز می شود و با گزارشی مختصر از وضعیت جنگی شهر به شرح چگونگی رویارویی زنان با جنگ و واکنش آنان می پردازد:

آغاز جنگ

تغییر روحیه زنان و نقش های مختلف آنان :

فعالیت نظامی (مربیگری، نبرد با دشمن، حفاظت از مکان های خاص) نقش گفتاری (اطلاع رسانی و انتقال اخبار، اعتراض به وضعیت موجود، دلجویی و همدردی با آسیب دیدگان، ترغیب و روحیه دادن به مبارزان) پرستاری و امدادرسانی

جمع آوری و انتقال اجساد، غسل و تدفین شهدا
تدارکات نظامی و غیر نظامی (تهیه کوکتل مولوتف و گونی های پر از شن، آشپزی، تهیه و تقسیم خواربار در بین مردم، توزیع غذا در خطوط دفاعی شهر)

۲-۵- فرآیند شکل گیری تجربه زنان

بررسی ساختاری حوادث مذکور نشان می دهد که شکل گیری تجربه زنانه، روندی خاص را در این آثار طی می کند که می تواند فرایند آن را بر اساس حوادث مطرح در کتاب های پیش گفته به گونه زیر ترسیم کرد:

وضعیت عادی زندگی ← وقوع حادثه (آشفتگی در وضعیت عادی) و ایجاد بحران (جنگ) ← تأثیر پذیری بیرونی و درونی ← کنش (تسلیم در برابر شرایط موجود و سازگاری (زن سنتی) / تلاش برای تغییر وضعیت (زن مداخله-گر) ↓

آشفتگی بیشتر و تشدید بحران (سقوط خرمشهر) ↓

واکنش ↓

رفع بحران موقت (آزادی خرمشهر) ← تداوم و تغییر واکنش ↓

رفع کامل بحران (پایان جنگ) ↓

سازگاری با زندگی جدید

۲-۶- تأثیر پذیری زنان از جنگ

نخستین مرحلهٔ شکل‌گیری تجربهٔ زنانه، تأثیرپذیری زنان از جنگ است که مقدم بر وقوع کنش آنان است. تأثیرپذیری زنان از جنگ ازدو بعد بیرونی و درونی قابل بررسی است که به اجمال به بررسی آن می‌پردازیم:

۲-۶-۱- تأثیرپذیری جسمی یا بیرونی

آسیب دیدگی جسمی زنان از جنگ و ارتباط آنان با اشخاص آسیب دیده در این بخش طبقه بندی می‌شوند. پژوهش‌هایی که تاکنون به بررسی رابطهٔ زنان و جنگ پرداخته‌اند، به این بخش محدود شده‌اند. شواهد این تأثیرپذیری در آثار مورد مطالعهٔ ما نیز مشاهده می‌شود؛ اما می‌توان این بخش را از دیدگاهی جدید طبقه بندی نمود: زنان به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم در معرض آسیب‌های جنگ قرار گرفته‌اند که هر کدام از این موارد، ابعاد مختلف تأثیرپذیری زنان را- که ابعاد بیرونی و محسوس آن مقدم بر ابعاد روانی است - نشان می‌دهد:

مستقیم: جراحی شامل نقص عضو و مصدوم شدن (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۴۳ و ۵۱۳ و نیز شانکی، ۱۳۸۶: ۱۶۰)؛ شهادت (حسینی، ۱۳۸۹: ۹۰، ۲۳۴، ۲۷۹، ۲۸۱ و ۱۸۵ و نیز شانکی، ۱۳۸۶: ۱۵۵ و ۱۸۱)؛ اسارت، تجاوز و هتک حرمت (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۹۰ و نیز طالش پور، ۱۳۸۶: ۸۱ و نیز جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۷)؛ زندگی در وضعیت جنگی شامل آوارگی (میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۸۹) و هر نوع تهدید فیزیکی مانند خطر زایمان در وضعیت جنگی (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۹۹)، خشونت و غیرت مردان نسبت به زنان (حسینی، ۱۳۸۹: ۵۷۳ و ۴۲۴، ۴۵۰ و ۵۸۱ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۹۱ و ۹۲)، اعمال محدودیت یا کاهش توجه خانواده (حسینی، ۱۳۸۹: ۸۷، ۱۰۱، ۲۶۸ و ۴۰۵ و نیز شانکی، ۱۳۸۶: ۲۰۱ و نیز طالش پور، ۱۳۸۶: ۳۹ و ۵۸ و نیز جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۰، ۱۴، ۲۷ و ۳۳) و شرایط دشوار سکونت در منطقه (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۶، ۶۴، ۶۷ و ۷۶ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۸۰ و ۶۴).

غیرمستقیم: زنان خانوادهٔ شهدا (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۳۵، ۳۰۶ و ۳۲۲ و نیز شانکی، ۱۳۸۶: ۱۵۷) اسرا، مجروحان (حسینی، ۱۳۸۹: ۷۷، ۷۱۲) جانبازان، مفقودان و رزمندگان که تبعات جسمی و روحی متعددی را متحمل شده‌اند.

۲-۶-۲- تأثیرپذیری درونی یا شخصیتی

ابعاد مختلف شخصیتی زنان که با جنگ و پیامدهای مختلف آن درگیر می‌شود، ابعاد عاطفی، عقلی و اعتقادی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تأثیرپذیری شخصیتی زنان از جنگ در این سه بخش قابل طبقه بندی است:

۲-۶-۲-۱- تحریک احساسات و عواطف

احساس در فرهنگ اصطلاحات روان‌شناسی با هیجان یکی دانسته شده است و از ریشه لاتین *emovere* به معنی حرکت، تنش یا تهییج مشتق شده است و بر حالات ذهنی از قبیل عشق، ترس، نفرت، وحشت و غیره انطباق می‌یابد (پورافکاری، ۱۳۸۵: ۴۹۵) در مواردی دیگر نیز احساس (*Emotion*) با عاطفه (*Affection*) هم معنی دانسته شده است. (Colman, 2003: 241). در مبانی انسان‌شناسی اسلامی، عاطفه به معنی بازتاب محیط در روان انسان به کار می‌رود و از احساس متمایز می‌شود. احساس، حالت و کیفیتی درونی درباره نگرش و دید روانی فرد نسبت به دیگران یا اشیا و عامل دوری و نزدیکی فرد با آنان است و به دو گروه مثبت و منفی تقسیم می‌شود (مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۹۲: ۶). مفهوم مورد نظر ما با عاطفه در این تعریف برابر است. بررسی عاطفه زنانه از آنجا مهم است که مقدم بر کنش زنانه است؛ یعنی قرار گرفتن در وضعیت جنگی، محرک عواطف زنانه و مقدم بر عملکرد آنان است. عواطف غالب زنان در این وضعیت غم و اندوه؛ محبت به هم‌نوع و هم‌جنس؛ خشم و نفرت و ترس از دشمن است که به کنش‌های عاطفی از قبیل گریستن، عزاداری و بی‌تابی در سوگ عزیزان؛ محبت و ورزی مادرانه به خویش و بیگانه، توجه به خانواده در شرایط دشوار جنگ و تلاش برای دور کردن آنها از خطر، همدلی، همدردی و کمک به دیگران، تحمل سختی‌های مقاومت در برابر دشمن منجر می‌گردد. مثال‌های زیر از این قبیل است:

اندوه و عزاداری و مرثیه خوانی زنان در سوگ عزیزانشان: «همین طور که بین جمعیت راه می‌رفتم و شاهد این صحنه‌ها بودم، اشک می‌ریختم و صدای مرثیه خوانی عرب‌ها را می‌شنیدم: زن روضه خوان می‌گفت: وهو گولن وه اسم شهیدشان را که می‌گفت، همه جیغ می‌کشیدند. بعد بلافاصله با ریتم تندی به

گونه‌هایشان می زدند و دم می گرفتند و در این بین بعضی ها هم طاقت نمی آوردند و بیهوش می شدند» (حسینی، ۱۳۸۹: ۸۰، ۹۲، ۹۳، ۹۶، ۱۹۸ و ۶۷۸ و نیز طالش پور، ۱۳۸۶: ۱۳۴ و ۱۳۶ و نیز جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۱ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۶۵ و ۸۳).

ترس از اسارت: «به خودم گفتم الان است که دور تا دورم را عراقی‌های گردن کلفت بگیرند و محاصره ام کنند. با این فکرها چنان ترسی به جانم افتاد که تا آن موقع نظیرش را در خودم سراغ نداشتم. می‌خواستم فرار کنم. رمقی در پاهایم نبود. انگار به زمین می‌خکوبم کرده بودند ...» (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۸۷، ۱۳۴، ۳۹۳، ۴۰۱، ۵۰۳، ۵۵۱ و ۵۸۵ و نیز شانکی، ۱۳۸۶: ۱۵۸ و نیز طالش پور، ۱۳۸۶: ۶۳ و ۷۴، ۴ و ۷۴ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۷۴).

همدلی و همدردی زنان با یکدیگر: «به ماندم فکر می کردم و اشک می ریختم.... دخترها گریه می کردند و دلداری ام می دادند: ایشالا برمی گردی. حالت خوب می شه. ناراحت نباش. اشرف که از همه بیشتر گریه می کرد، روی سرم دست می کشید» (حسینی، ۱۳۸۹: ۵۲۸، ۴۷۰، ۵۶۷ و ۵۲۸ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۶۰).

عاطفه مادرانه: «مادری بود که یک پسر و دخترش مجروح شده بودند و پسر دیگرش شهید.... با شهامت و آرامش خاصی تمام پیکر فرزندش را عطر و گلاب زد.... سپس آن را با دقت داخل پارچه ای پیچید و رویش هم مشمع کشید. موقع جا به جا کردن هم به هیچ کس اجازه نداد که جنازه را بلند کند. ما با ناراحتی و بی صبوری نگاه می کردیم.... ناگهان از دو پستان مادر، مایع سفید رنگی بیرون ریخت. شیر بود....» (شانکی، ۱۳۸۶: ۱۷۱ و ۲).

محبت مادرانه به بیگانه: «بچه ده دوازده ساله ای را عمل کرده بودند.... پدر بچه... گفت: موضوع اینه که هشت تا از بچه هایم رفتن. زخم رفته. تنها کسی که تو زندگی برام مونده اینه. حتی یک فامیل هم ندارم. نمی دانستم چه بگویم. از ناراحتی بیرون آمدم. وقتی دوباره برگشتم، بچه مرده بود. انگار سال‌ها بود که خوابیده است. باورم نمی شد. به خدا قسم همین چند لحظه پیش حرف می زد و

آب می خواست. گریه ام گرفت» (شانکی، ۱۳۸۶: ۱۶۶ و نیز حسینی، ۱۳۸۹: ۲۸۴، ۲۵۴، ۲۹۵ و ۳۱۳).

۲-۲-۶-۲- تقویت باورهای دینی

رویاری با حوادث تلخ جنگ و پیامدهای آن، زنان را به شدت متأثر می سازد و با تحریک عواطف لطیف زنانه آنها شرایط دشواری را به وجود می آورد که تصور تحمل و رویاری با آن در شرایط عادی امکان پذیر نخواهد بود. پاره‌ای از پژوهشگران از این امر به عنوان تغییر به سمت قوی شدن یاد کرده اند (ر. ک. جمشیدی‌ها، ۱۳۸۶: ۹۱) که مورد تأیید ماست؛ اما آنچه مهم است عامل این تغییر است که بر اساس یافته‌های ما، تقویت باورهای دینی است که با غلبه این بخش از ابعاد شخصیتی زنان، تحمل این شرایط دشوار و بهره برداری از آن برای نیل به اهداف عالی میسر و مقدور است. توکل بر خداوند و استمداد از او (جعفریان، ۱۳۸۶: ۷۴)، الگو قرار دادن ائمه به خصوص حضرت زینب (ع) و تأسی به ایشان (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۹۶، ۲۰۱، ۳۴۷ و ۳۴۹)، احترام به رزمندگان و تکریم شهدا (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۹۹)، حفظ حریم جنسی و پوشش بدن حتی در شرایط دشوار (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۴۴، ۵۱۵، ۵۶۳، ۶۸۲ و ۷۲۳ و نیز طالش‌پور، ۱۳۸۶: ۷۰ و نیز جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۷ و توجه به حلال و حرام شرعی (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۶۰) کنش‌های اعتقادی هستند که از افزایش دینداری در شرایط دشوار جنگ نشأت می‌گیرند.

۲-۲-۶-۳- افزایش بصیرت، تعقل و خودباوری

بینش سیاسی (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۹۰، ۴۳۸ و ۴۵۷)، درک و تحلیل وضعیت جنگ (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۱۳، ۴۶۴، ۴۹۳ و نیز شانکی، ۱۳۸۶: ۱۵۹)، افزایش اعتماد به نفس و تقویت اراده و کارایی و توجیه منطقی لزوم حضور زنان در منطقه جنگی، منجر به انجام کارهای غیرعادی و تحسین پذیرمی شود (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۹۰، ۵۷۶، ۶۱۹ و ۷۳۷ و نیز طالش‌پور، ۱۳۸۶: ۵۴ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۶۶).

مثال تقویت اراده و کارایی و توجیه لزوم حضور زنان در منطقه جنگی: «به هیچ عنوان حاضر به رفتن از شهر نبودم. به کار خانم‌ها اعتقاد داشتم. می‌دیدم هم نیاز به

نیروی کاری هست، هم خانم‌ها واقعاً کارآمد هستند. به نظر من توی جنگ، دفاع بر زن و مرد واجب بود. فرق نمی‌کرد» (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۰۰، ۱۱۹ و ۴۷۴).

۲-۷- کنش و عملکرد زنان در جنگ

دومین مرحله‌ی شکل‌گیری تجربه‌ی زنانه، کنش زنان در جنگ است. جنگ، این بحران گسترده، طولانی و ویرانگر، زندگی زنان را با دگرگونی عمده‌ای مواجه می‌سازد و کنش‌هایی متفاوت را به همراه می‌آورد. زنان در رویارویی با این بحران بزرگ دو دسته‌اند: عده‌ای با دلبستگی به خانه و خانواده به سرپرستی و نجات بستگان خود می‌اندیشند و بعضی از آنها با دلایلی همچون دلبستگی به محل سکونت و متعلقات آن، ضرورت کسب تکلیف از مردان خانواده و همراهی آنها از خروج و تخلیه‌ی شهر اجتناب می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۴۳، ۳۱۴ و ۴۸۲ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۶۷) و عده‌ای دیگر با رهایی از بند تعلق به خانواده، در اندیشه‌ی کمک به دیگران و تغییر اوضاع هستند. اکثر آنها دختران مجرد ساکن شهر هستند که با همراهی یا مخالفت خانواده‌ی خود روبه‌رویند. محل استقرار آنها در مسجد جامع و بعد از آن مطب دکتر شیبانی است. همان‌گونه که ذکر شد، پاره‌ای از کنش‌های مطرح در خاطرات، میان دو گروه از زنان مشترک است و می‌توان به دلیل تأثیر گذاری عمده در عملکرد خود و دیگران از آن به کنش‌های بنیادین تعبیر کرد؛ مانند کنش‌های عاطفی و اعتقادی که با شدت و ضعف در همه‌ی زنان مشترک است و پاره‌ای متفاوت؛ مانند فعالیت‌های خاص گروه دوم از زنان که با تقویت اراده و کارآمدی آنان در شرایط بحرانی جنگ همراه است و منجر به نوسان و تغییر وضعیت می‌شود. در این بخش از مقاله به بررسی کنش‌های این گروه از زنان می‌پردازیم:

فعالیت نظامی: مربیگری، حضور در خطوط نبرد و کسب اولین تجربه‌ی نظامی، تدارکات نظامی مانند تعمیر و خشاب گذاری سلاح مدافعان شهر، حفاظت از مکان‌های خاص و نگهبانی، تهیه‌ی کوکتل مولوتف و گونی‌های پر از شن، توزیع غذا در خطوط دفاعی شهر (شانکی، ۱۳۸۶: ۱۳۹، ۱۶۸، ۱۸۴، ۲۰۱، ۲۰۴ و نیز

حسینی، ۱۳۸۹: ۲۶۶، ۳۱۹، ۳۴۲، ۴۰۱، ۵۰۲، ۵۱۱ و نیز طالش پور، ۱۳۸۶: ۴۲، ۵۰، ۶۱، ۱۰۶ و نیز جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۱).

امدادگری و کمک به مجروحان جنگ (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۰۸، ۳۶۸، ۳۸۳ و نیز شانکی، ۱۳۸۶: ۱۴۹ و نیز طالش پور، ۱۳۸۶: ۵۹، ۸۸ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۵۸، ۸۲).

تدارکات غیرنظامی: تهیه مواد غذایی، دارویی و آشپزی (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۲۹ و نیز شانکی، ۱۳۸۶: ۱۸۹ و نیز طالش پور، ۱۳۸۶: ۴۱، ۵۱ و نیز جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۱، ۲۵ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۷۲، ۷۴).

تخلیه شهروکمک رسانی به مردم آواره (شانکی، ۱۳۸۶: ۱۵۱، ۱۸۵، ۱۹۰ و نیز حسینی، ۱۳۸۹: ۳۱۲، ۳۸۹).

غسل و تدفین شهدا (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

نقش گفتاری شامل اطلاع رسانی و انتقال اخبار، اعتراض به وضعیت موجود، دلجویی و همدردی با آسیب دیدگان، ترغیب و روحیه دادن به مبارزان و مدافعان (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۳۷ و نیز شانکی، ۱۳۸۶: ۱۷۲ و نیز جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۹ و ۴۰، ۷۲ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۶۵).

اهمیت این نقش‌ها زمانی مشخص می‌شود که با نقش سایر زنان یا نقش‌های آنان قبل از جنگ مقایسه شود. خانه داری، کار عمده زنان بود و به بهداشت و اداره خانه محدود می‌شد. برخی از آنها همچون راوی کتاب‌ها برای فعالیت‌های جدیدشان، آموزش ندیده‌اند و مهارتی کسب نکرده‌اند (حسینی، ۱۳۸۹: ۷۶) برخی دیگر فعالیت‌های متعدد اجتماعی داشته‌اند؛ اما پذیرش شرایط جدید و حتی انجام نقش‌هایی که برای آن آموزش دیده‌اند، برایشان دشوار است (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۶) آنها با تکیه بر اعتقاد و باورهایشان، زنانی دیگر می‌شوند و کارهایی عجیب انجام می‌دهند.

بدین ترتیب فعالیت زنان در این زمان به دو شکل متفاوت طبقه بندی می‌شود:

سازگاری و تسلیم در برابر شرایط موجود و ادامه زندگی شامل سکونت و حضور زنان در خرمشهر، آوارگی یا سکونت در مکانی دیگر/ تلاش برای تغییر وضعیت شامل خدمات گروهی زنان در مسجد جامع و پذیرش نقش‌های مختلف.

با شدت یافتن بحران و امکان سقوط شهر، زنان ناگزیر به ترک شهر می‌شوند؛ چراکه مقاومت هزینه‌های گزافی را به آنان تحمیل می‌کند:

اوج بحران: سقوط خرمشهر ← ماندن = شهادت یا اسارت / خروج و تخلیه

↓ شهر

زنان با پذیرش واقعیت سقوط خرمشهر به خروج از شهر و تخلیه آن اقدام می‌کنند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۴۵). پس از خروج از شهر، آنان اغلب به فکر اداره و سرپرستی خانواده خود هستند، به خصوص کسانی که مردان خود را از دست داده‌اند یا با غیبت و دوری آنان مواجهند. این گروه از زنان با پذیرش زندگی جدید، با شرایط موجود سازگار می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۹۷)؛ اما گروه دوم از زنان از پای ننشسته و به فعالیت‌های متعدد خود ادامه می‌دهند تا نقشی چشمگیر در کاهش تبعات بحران و کمک به دیگران داشته باشند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۷۷) عمده این نقش‌ها عبارت است از:

خدمت به جنگ زدگان: برقراری ارتباط با خانواده جنگ زدگان برای کمک به آنها و فعالیت فرهنگی و بهداشتی در کمپ جنگ زدگان (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۲۴ و ۵).

اشتغال مرتبط با جنگ و فعالیت‌های همزمان فرهنگی مانند پرستاری و اشتغال در بنیاد مهاجرین و بنیاد شهید، بازدید بدنی اشخاص در کمیته و انتظامات نماز جمعه (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۴۳، ۶۵۳ و نیز طالش پور، ۱۳۸۶: ۱۰۶، ۱۴۰ و نیز جعفریان، ۱۳۸۶: ۵۲، ۵۵، ۵۸، ۶۱، ۹۴ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۹۶ و ۹۷، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۲).

پس از ازدواج و تغییر اساسی در روند زندگی، حضور مستقیم زنان در نقش‌های پیش‌گفته کم‌رنگ می‌شود و نقش‌های جدید همسری و مادری شکل می‌گیرد؛ نقش‌هایی که تاکنون در زندگی زنان دیگر از جمله مادران راویان خاطره با آن روبه‌رو بوده‌ایم. هر چند دامنه این نقش‌ها به محیط خانه محدود می‌شود؛ اما تأمین روانی همسر و تشویق او به حضور در نبرد یا مشاغل دیگر با گذشت از نیازهای عاطفی خود، اهمیت بالایی دارد که در صورت فقدان آن تبعات و

اهمیت آن نمود عینی می یابد (جعفریان، ۱۳۸۶: ۹۶ و نیز حسینی، ۱۳۸۹: ۶۷۰، ۶۷۲، ۶۹۹ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). در واقع تداوم تلاش این زنان در جهت گذشت و ایشار از تمایلات قلبی خود، سهم عمده ای در بهبود وضعیت و تغییر نتیجه نبرد دارد. با تولد فرزندان و شکل گیری نقش مادری (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۰۲ و نیز میرابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۱۱۳)، ایفای نقش شبه پدری و مسئولیت خطیر اداره خانواده همراه با تبعات آوارگی و غربت (حسینی، ۱۳۸۹: ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۲۰) زنان را در حصار خانه و خانواده و وظایف کمرشکن خود خواسته گرفتار می کند. ترس از تبعات زندگی این گونه با وسواس نظارت بر فرزندان توأم می شود.

تداوم و تغییر واکنش (ادامه زندگی و تلاش برای تغییر وضعیت):

نقش همسری: ازدواج، همراهی، تأمین روانی و تشویق همسر = محدودیت

حضور در جنگ و اشتغال

نقش مادری و شبه پدری (مسئولیت اداره خانواده) = پایان حضور مستقیم

در جنگ و اشتغال ↓

رفع کامل بحران (پایان جنگ):

سازگاری با زندگی جدید و شرایط جدید = پذیرش فقدان عزیزان و

وضعیت جدید

در خاطرات مورد توجه ما، ازدواج محدودیت هایی را برای اشتغال و حضور مستقیم زنان در جنگ ایجاد می کند. تغییر شغل و درک سختی های آن مطرح می شود و شخصیت به دنبال چاره جویی است. پایان اشتغال که با تولد فرزندان همراه است؛ اغلب به منزله پایان جنگ برای این گروه از زنان است. در کتاب *دلمدتی طولانی* پس از پایان جنگ با بازگشت همسر راوی از جبهه، زندگی به حالت طبیعی باز می گردد و این بحران بزرگ ستم بار خاتمه می یابد (حسینی، ۱۳۸۹: ۷۲۴)؛ اما نقش زنان پایان نمی یابد. زندگی دو شخصیت اصلی کتاب *دا* با فقدان عزیزان و وضعیت جدید جسمی، سازگاری و تلاش بی وقفه آنان را نشان می دهد. هرچند این بخش از خاطرات سایر زنان حذف شده است، اما واقعیتی است؛ که سایر آنان نیز تجربه کرده اند.

۲-۸- تجربهٔ زنانه و نقش انواع زنان در جنگ

بررسی این کتاب‌ها نشان می‌دهد که قرار گرفتن در موقعیت‌هایی همچون جنگ، تجربهٔ جدیدی را برای زنان پدید می‌آورد و نقش‌های آنان را دگرگون می‌سازد. همچنین تفاوتی عمده در جهت‌گیری نقش‌های زنان ایجاد می‌شود. زنان بر این اساس به دو گروه تقسیم می‌شوند. این دو گروه عبارتند از:

۱- زن سنتی درون‌گرا و منفعل

۲- زن مداخله‌گر برون‌گرا و فعال

بررسی نشان می‌دهد که در بین گروه اول که اغلب زنانی سازگار و محافظه‌کارند، توجه به اطرافیان محدود می‌شود و نجات خانواده در اولویت قرار می‌گیرد. خروج از خرمشهر و سکونت در شهری دورتر و بازیابی آرامش برای تداوم زندگی با وجود همهٔ مشکلات و کمبودها، تجربهٔ جدیدی برای این گروه از زنان به وجود می‌آورد که از آن به سکون و سازگاری تعبیر می‌کنیم. گروه دوم با گذشت از سایر ارکان زندگی شان و بی‌توجهی به خود و خانواده، با توجه به دیگران به مواردی همچون شکست متجاوز و نجات وطن می‌اندیشند و با عبور از چهارچوب محدودیت‌های مختلف، به تلاش در محیط پیرامون و موقعیت‌های دشوار می‌پردازند. عامل تغییر دهندهٔ نقش این گروه از زنان، ازدواج و به دنبال آن مراقبت از فرزندان است. نمونهٔ قابل استناد و مشهود این دو گروه مادران و دختران آنها هستند که علاوه بر اختلافاتی همچون سن و میزان تحصیلات، تفاوت‌های محدود اعتقادی دارند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۹۰). پایان حضور مستقیم دختران در جنگ با ازدواج و استعفا از شغل مرتبط با جنگ نشان می‌دهد که تجرد، اختلاف نقش و تجربهٔ زنان را تشدید می‌کند. تجربهٔ جدیدی که این گروه از زنان در ارتباط با بحران جنگ کسب می‌کنند، تحرک و تحریک است که از تلاش آنان برای تغییر و بهبود اوضاع سرچشمه می‌گیرد. این گروه از زنان نه تنها خود از هیچ تلاشی برای بهبود اوضاع که از دید آنان پیروزی بر دشمن متجاوز است، فرو نمی‌گذارند؛ بلکه دیگران به خصوص مردان را به مقاومت و دفاع ترغیب و تحریک می‌نمایند.

۳- نتیجه‌گیری

در این پژوهش منظور از تجربه‌ی زنانه رویارویی زنان با حوادث و موقعیت‌های متفاوت و تأثیر پذیری از آن است که کنش خاص آنان را به دنبال دارد و در گذر زمان دانش و مهارت جدیدی را برای آنان کسب می‌کند. عناصر تجربه که در ارتباط فرد با حادثه به وقوع می‌پیوندد به ترتیب رویارویی و مشاهده، تأثیرپذیری، کنش، کسب مهارت و دانش هستند.

ساختار حوادث خاطرات مورد بررسی در پاره‌ای از این آثارمانند پاییز ۵۹ و داگسترده است و حوادث متعدد زندگی شخصیت‌ها را در مرحله قبل و بعد از جنگ نشان می‌دهد. شش خاطره‌ی زنان در کتاب کوچه‌های خرمشهر با گزارشی کوتاه از وضعیت جنگ در این شهر، به رویارویی زنان با جنگ و واکنش آنان می‌پردازد. نقش مشترک زنان بعد از جنگ، وجه مشترک حوادث این آثار است.

فرایند شکل‌گیری تجربه در این آثار مراحل متعدد وضعیت‌های زندگی، آشفتنگی در وضعیت‌های عادی و آغاز بحران جنگ، تأثیرپذیری بیرونی و درونی، کنش دوگانه تسلیم در برابر شرایط موجود و سازگاری با آن و تلاش برای تغییر وضعیت در میان دو گروه از زنان را نشان می‌دهد. این کنش‌ها تا پایان جنگ و رسیدن به سازگاری قطعی ادامه می‌یابد.

تأثیرپذیری بیرونی زنان از جنگ به دوشکل مستقیم شامل جراحت، شهادت، اسارت، تجاوز و هتک حرمت و زندگی در وضعیت جنگی و غیر مستقیم شامل زنان خانواده‌های شهدا، اسرا، مجروحان، جانبازان، مفقودان و رزمندگان قابل بررسی است. تأثیرپذیری بیرونی زنان از جنگ در سه بخش قابل بررسی است: نخست، تحریک احساسات و عواطف که مقدم بر وقوع کنش است و عواطف غالب آن غم و اندوه، محبت به هم‌نوع و هم‌جنس و خشم و نفرت از دشمن است که کنش‌های عاطفی مانند عزاداری، کمک به دیگران و تحمل سختی‌های مقاومت در برابر دشمن را پدید می‌آورد. دوم، تقویت باورهای دینی که کنش‌های اعتقادی از قبیل توکل بر خداوند و رعایت حلال و حرام شرعی را پدید می‌آورد. سوم، افزایش بصیرت، تعقل و خودباوری که به انجام کارهای غیرعادی و تحسین‌پذیر منجر می‌شود که در فعالیت‌های گروه دوم از زنان قابل بررسی است.

کنش و عملکرد زنان در جنگ، دومین مرحله شکل گیری تجربه زنانه است. کنش های عاطفی و اعتقادی میان همه زنان با شدت و ضعف مشترک است؛ اما کنش های گروه دوم از زنان که در سه مرحله قبل از سقوط شهر، بعد از سقوط شهر و پس از ازدواج شکل می گیرد متفاوت است. در مرحله نخست، زنان فعالیت های متعددی همچون نظامی، امدادگری، تدارکات، غسل و تدفین شهدا و نقش های گفتاری انجام می دهند و در مرحله دوم نقش های محدود و متمرکزی همچون خدمت به جنگ زدگان، اشتغال مرتبط با جنگ و فعالیت فرهنگی همزمان با آن دارند. در مرحله سوم، نقش های مادری و همسری، نوعی سازگاری با زندگی و در نهایت قطع حضور مستقیم در جنگ را شکل می دهد. در نتیجه دو تجربه متفاوت در میان دو گروه از زنان شکل می گیرد: تجربه سکون و سازگاری در زندگی گروه اول از زنان که سنتی، درون گرا و منفعل هستند و تجربه تحرک و تحریک در زندگی گروه دوم از زنان که مداخله گر، برون گرا و فعال هستند.

فهرست منابع

۱. اتابکی، پرویز. (۱۳۸۰)، فرهنگ جامع کاربردی فرزنان، ج دوم، تهران: فرزنان.
۲. آشوری، داریوش. (۱۳۸۴)، فرهنگ علوم انسانی: انگلیسی به فارسی، تهران: مرکز.
۳. بوتول، گاستون. (۱۳۶۸)، جامعه شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۴. پناه، زینب. (۱۳۸۹)، زن در آیینة شعر دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
۵. پورافکاری، نصرالله. (۱۳۸۵)، فرهنگ جامع روانشناسی روانپزشکی، ج اول، تهران: فرهنگ معاصر، چ پنجم.
۶. پیازده، ژان. (۱۳۸۴)، ساختارگرایی، ترجمه رضا علی اکبر پور، تهران: مجلس شورای اسلامی.
۷. تابلی، حمید و همکاران. (۱۳۹۰)، بررسی مدل های مدیریت بحران در رمان ۱۵، ادبیات پایداری، ش ۵ و ۶، صص ۷۷-۱۰۴.
۸. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹)، مدیریت بحران، تهران: فرهنگ گفتمان.

۹. تقوی، محمد. (۱۳۸۷)، **بحثی در نسبت تجربه های دینی، عرفانی و هنری، گوهر گویا**، ش ۵، صص ۱۱۳-۱۳۴.
۱۰. جعفریان، گلستان. (۱۳۸۶)، **خانه ام همین جاست: خاطرات افسانه قاضی زاده**، تهران: سوره مهر.
۱۱. جمشیدی ها، غلامرضا و نفیسه حمیدی. (۱۳۸۶)، **تجربه زنانه از جنگ**، ش ۲، صص ۸۱-۱۰۸.
۱۲. جولی، مرتوس. (۱۳۸۳)، **زن، جنگ و بحرا**، ترجمه نجله خند، تهران: قصه.
۱۳. حامد سقایان، مهدی و سید میثم مطهری. (۱۳۹۰)، **جایگاه زن در ادبیات نمایشی دفاع مقدس، زن در فرهنگ و هنر**، ش ۳، صص ۷۷-۹۶.
۱۴. حبیبی، (۱۳۹۲) قابل دسترسی در: <http://razmandegan-velayat.com> مورخ ۲۰/۱۰/۱۳۹۲.
۱۵. حسینی، اعظم. (۱۳۸۹)، **۱۵: خاطرات سیده زهرا حسینی**، تهران: سوره مهر، چ صد و هفدهم.
۱۶. دهقان، احمد. (۱۳۸۶)، **خاک و خاطره**، تهران: صریح.
۱۷. رامهرمزی، معصومه. (۱۳۸۷)، **نشست نقدی بر کتاب دا، ماه ادبیات**، ش ۲۳، صص ۲۳-۴۳.
۱۸. شانکی، مریم. (۱۳۸۶)، **در کوچه های خرمشهر**، تهران: سوره مهر، چ چهارم.
۱۹. شریف پور، عنایت الله و فاطمه لشکری. (۱۳۸۹)، **بررسی نقش زنان در چند داستان کوتاه دفاع مقدس، ادبیات پایداری**، ش ۲، صص ۱۶۹-۱۸۸.
۲۰. شمیس، سیروس. (۱۳۷۳)، **انواع ادبی**، تهران: فردوس، چ دوم.
۲۱. طالش پور، فریبا. (۱۳۸۶)، **پوتین های مریم: خاطرات مریم امجدی**، تهران: سوره مهر، چ سوم.
۲۲. علوی مقد، مهیار. (۱۳۷۷)، **نظریه های نقد ادبی معاصر**، تهران: سمت.
۲۳. فصیحی، سیمین. (۱۳۸۸)، «**از تاریخ مردان نخبه تا تاریخ زنان فراموش شده**» فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری، دانشگاه الزهراء، سال ۱۹، ش ۲، صص ۴۳-۶۱.
۲۴. قیم، عبد النبی. (۱۳۸۶)، **فرهنگ معاصر عربی فارسی**، تهران: فرهنگ معاصر.
۲۵. کاظمی، سید علی اصغر، (۱۳۶۶)، **مدیریت بحران های بین المللی**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۶. کمری، علیرضا. (۱۳۸۳)، **با یاد خاطره**، ج اول، تهران: سوره مهر.

۲۷. مرکز تحقیقات فرهنگی سپاه، (۱۳۹۲)، *انسان شناسی*، قابل دسترسی در سایت
تبیان:

28. [http://Library . tebyan .net . 3/2/1392](http://Library.tebyan.net/3/2/1392)

۲۹. میر ابوالقاسمی، رقیه و همکاران. (۱۳۸۶)، پاییز ۵۹: *خاطرات زهره ستوده*،
تهران: سوره مهر .

۳۰. نوربخش، جواد. (۱۳۷۹)، *فرهنگ نوربخش: اصطلاحات تصوف*، قم: یلدا .

31. Soanes Catherine , 2002 , Paper back oxford Englisg
Dictionary , New York : O. U PRESS .

32. Colman , M. Andrew , 2003 , oxford Dictionary of
Psychology ,New York : O. U PRESS .

